

## اعتراض بر نقد مصاحبه تلویزیون آقای شهرام همایون

### یک معترض ودو اعتراض

امیر فیض- حقوقدان

در رابطه بانقد مصاحبه تلویزیون آقای شهرام همایون با اعلیحضرت معترض محترمی دواعترض را وارد دانسته است.

اعتراض نخست ایشان این است که <شاهزاده رضاپهلوی اگر نور را ولیعهد شناخت همچنین اورا رئیس جمهوری هم دانست و شما در نقد خودتان آن قسمت از صحبت شاهزاده راکه مربوط به رئیس جمهوری ایشان بود بنقد نیاوردید و فقط به مسئله ولیعهدی پرداختید>

### توضیح نقد

اعتراض معترض از نظر عدم توجه نقد به موضوع ریاست جمهوری و الاحضرت شاهدخت نور وارد است ولی تصور میکنم توضیح نقد اجازه پس گرفتن اعتراض رابه ایشان بدهد.

۱- همانطورکه در نقد مورد اعتراض گفته شده شاخص نقد مزبور تنها متوجه یک قسمت از بیانات اعلیحضرت بوده که موثری کامل در مشروعیت مبارزه ما سلطنت طلبان است نه مسائل دیگری که در مصاحبه آمده است.

بنابراین نقد مزبور محدود به موضوعی بوده که بنظر ناقد موثر در مشروعیت مبارزه است و مسئله ریاست جمهوری بطور کلی موضوعی نیست که موثری کامل در مشروعیت مبارزه سلطنت طلبان باشد.

۲- بیان اعلیحضرت به اینکه <ایشان ولیعهد هست> متضمن این عظمت معنائی است که سخن <رئیس جمهور هم هست و یامیتواند باشد و امثال آنها> فاقد اعتبار کلامی است زیرا ولیعهد مقامی است که مقدمه پادشاهی است و پادشاهی بارئیس جمهوری منافات و تضاد دارد چنانکه گفته اند: <دومنصب است که بایکدگر نیاید راست - مقام سلطنت است و مقام جمهوری><sup>۱</sup>

۳- انتخاب ولیعهد از حقوق انحصاری اعلیحضرت است ولی کاندید کردن افراد برای ریاست جمهوری از حقوق اعلیحضرت نیست لذا اظهار نظر ایشان نسبت به رئیس جمهوری و الاحضرت نور و یا اشخاص دیگر از حد قانونی ایشان خارج است و در کلامی دیگر فرمایشات ایشان در مورد ولیعهدی و الاحضرت نور یک بیان حکیمانه یعنی متکی به قانون و نص است و بیان اینکه ایشان میتوانند رئیس جمهور هم بشوند یک بیان نظری و ادیبانه است و حجتی بر آن وارد نمیشود.

۳- یکی از حکما میگوید: <برخی از سخنان را باید شنید - برخی را باید چشید - برخی را باید قاپید و بلعید> سخن اعلیحضرت در مورد ولیعهدی و الاحضرت نور از آن سخنانی است که میبایست قاپید و بلعید.

و مبارزه سلطنت طلبان هم به آن افتخار نائل شد و آن قسمت از بیاناتشان در مورد رئیس جمهوری از آن سخنانی بود که فقط مقام شنیدن راداشت نه نقد و حتی چشیدن.

<sup>۱</sup> - در گفتگوی اعلیحضرت با آقای ش. همایون گرچه در گوشه ای در باره جمهوریت سخن می رود، ولی پرسش مربوط به جمهوری نبوده است. پرسش دقیقا این بود: «آیا اگر نظام آینده ایران شاهنشاهی باشد شاهدخت نورپهلوی ولیعهد هستند؟» که پاسخ

**اعتراض دوم معترض**

اجمال اعتراض دوم ایشان این بود که >خانمی مبارز از شاهزاده سوال کرد که چرا شما این حرفهائی را که امروز میزنید سی سال قبل نگفتید و شاهزاده هم جوابی برای آن نداشت و شما درنقدتان به این موضوع با اهمیت و اینکه ایشان جوابی نداشت اشاره نکردید<

۱- اعلیحضرت، سوال آن خانم را بلاجواب نگذاشتند و خطاب به آقای شهرام همایون فرمودند >من چه بگویم شما بگویند< همین و همین.

پاسخ اعلیحضرت برای آن خانم پرسش کننده اگر آن خانم یک مبارز آگاه بود خیلی معنی داشت.

درنقد تقدیمی نسبت به مصاحبه اعلیحضرت عرض شد >اگر کسی در جریان مبارزات سی و سه ساله اعلیحضرت نباشد باشنیدن آن مصاحبه خیال میکند که چند ماهی بیشتر از مبارزه نمیگذرد<

یکی از آن کسان همین خانم محترم معترض هستند که از سی سال مبارزه هیچ آگاهی لازم و ابتدائی را هم ندارند.

اعلیحضرت سی و چند سال است که این سخنان را مکرر و مکرر و بهرمناسبتی و یا با ایجاد مناسبتی میفرمایند و به استثنای ۶ یا ۷ سال نخست که بیاناتشان حکمت آمیز و بایشخوانه قانون اساسی مشروطیت مزین بود در سنوات بعد همه نظری وزود گذرویدون پشتوانه بوده است، سوال پرسش کننده فاقد ظرفیت سوال بنظر رسید و بیشتر به آن میماند که از سخنان گذشته اعلیحضرت بی اطلاع میباشند.

برای اینکه پاسخ به اعتراض آن معترض بایک رسوب فکری همراه شود این توضیح بجاست.

بین صحبت کردن از حق، و ادعای برحق، و مطالبه اجرائی حق، تفاوت بزرگی است.

صبحث از حق، کار همگان و عادت است و چون از نظر روانی >وصف العیش نصف العیش< است صحبت از حق بصورت یک عادت درمیآید و سبب تشفی خاطر مستمع و صاحب سخن میگردد.

ادعای برحق یک مرحله، از صحبت از حق پیشرفته تر است و چون موضوع منطبق با ضرب المثل >سنگ مفت و گنجشک مفت< عده ای خود را به آن سرگرم میکنند.

ولی مطالبه حق یک عمل اجرائی است که کار همه کس نیست گاو نرمی خواهد و مرد کهن. مطالبه حق هزینه بردار است تا حد جانفشانی میرود فقط حرف نیست بلکه بعمل درآوردن حرف است.

مبارزه سی و سه ساله ما ایرانیان و درصدر، مطلوب اعلیحضرت فقط در همان مرحله حرف درجا زده است بهمین دلیل است که در مقابل این سوالات که:

۳۰ سال قبل اعتبار و حشمت سلطنت و اعلیحضرت بیشتر بود یا امروز؟

۳۰ سال قبل میل مردم به مبارزه بیشتر بود یا امروز؟

۳۰ سال قبل بیشتر مردم در تظاهرات شرکت میکردند تا امروز؟

۳۰ سال پیش امید رهایی و نجات ایران بیشتر بود تا امروز؟

جز سرافکنندگی پاسخی نداریم

با احترام